



دانشگاه صنعتی شاهرود

پردیس شهید رجایی ارومیه

پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

بررسی جایگاه فقه در تعلیم و تربیت اسلامی

دانشجو:

علیرضا اسعدی

استاد راهنما:

دکتر ابوالقاسم ولیزاده

استاد مشاور:

دکتر نادر فزون مهر

شهریور ۱۳۹۶

تقدیر و تشکر

جناب آقایان / دکتر ابوالقاسم ولیزاده و دکتر نادر فزون‌مهر اساتید راهنما و مشاور محترم

شما روشنایی بخش تاریکی جان هستید و ظلمت اندیشه را نور می‌بخشید. چگونه سپاس گویم مهربانی و لطفتان را که سرشار از عشق و یقین است. همانا، ناتوانم با قلم ضعیفم سخاوتمندتان را سپاس گویم. مرا از نادانی جهل به روشنایی علم رهنما بودید و از وجودتان درس اخلاق و گذشت و ایثار به هم‌نوعان را آموختم. در مقابل این همه گذشت از خداوند سبحان برایتان ایمان واقعی و سلامتی خواهانم.

تقدیم به پدر و مادر و همسر و فرزندان عزیزم:

به پاس قدردانی از زحماتی که شما عزیزان برایم کشیدید تا امروز به چنین جایگاهی برسم و به پاس قلبی آکنده از عشق و معرفت که محیطی سرشار از آرامش و آسایش برای من فراهم آورد تا بتوانم با آرامش خاطر به تحصیل بپردازم. هیچ جمله‌ای نمی‌تواند بزرگی‌هایتان را توصیف کند. از تک تک شما متشکرم.

هنگامی که در موضوع علم فقه به (رفتار اختیاری مکلف) اشاره می‌شود؛ ضرورت پرداخت همه جانبه به تأثیر فقه بر تربیت از اهمیت والایی برخوردار است؛ از این رو؛ رسالت فقه تنها در موضوعات و زمینه‌های خاص مرسوم نبوده و بر متولیان این عرصه لازم است در تمام ابعاد زندگی بشر که در آن (رفتار اختیاری) مطرح است؛ بررسی فقهی داشته باشند. یکی از عرصه‌های مهم در این زمینه؛ (تعلیم و تربیت) است؛ عرصه‌ای که علاوه بر نیاز به بررسی فقهی در ابعاد نظری آن؛ از منظر کاربردی نیز نمود فراوانی دارد؛ چنانچه وجود آیات و روایات فراوان در زمینه آموزش و پرورش؛ علمای اخلاق را در طول تاریخ اسلامی بر آن داشته تا کتاب‌های فراوانی در این زمینه به نگارش درآورده و اثرات ماندگاری را برجای گذارند؛ اما تاکنون ورود به این عرصه به صورت منسجم و کامل از سوی پژوهشگران صورت نگرفته است؛ از این رو؛ تحقیق در زمینه (فقه تربیتی) ضروری است؛ در تحقیق پیش رو به بررسی ضرورت پایه‌گذاری فقه تربیتی می‌پردازیم و احکام فقهی تربیت را بررسی می‌نمایم و روشهای تربیت را از منظر اسلام و احکام اسلامی بررسی می‌نماییم و انواع ابعاد تربیت را به فقه پیوند می‌دهیم از تربیت روحی و جسمی گرفته تا تربیت عاطفی و جنسی؛ فقه تربیتی بخشی از دانش فقه است که به عرصه تربیت و مسایل آن می‌پردازد و در صدد استنباط احکام تربیت است؛ بنابراین موضوع گزارهای فقه تربیتی از علوم تربیتی گرفته می‌شود و محمول آن وامدار دانش فقه است که براساس قواعد موجود؛ یکی از احکام تکلیفی (وجوب؛ استحباب؛ کراهت؛ حرمت؛ اباحه) یا حکم وضعی را تعیین می‌کند. لذا اهمیت و سرنوشت‌ساز بودن تعلیم و تربیت؛ ضرورت روایی؛ اعتبار و حجیت دستورالعمل‌های تربیتی را دو چندان می‌سازد؛ از این رو لازم است میان دانش فقه و علوم تربیتی داد و ستد برقرار شود. یکی از مظاهر این داد و ستد؛ تعیین اصول و روش‌های تربیتی بر اساس روش شناسی فقهی است. تحقیق حاضر که به صورت توصیفی- تحلیلی انجام گرفته است، به تبیین اصول و روشهای تربیتی و نیز بررسی جایگاه فقه در تعلیم و تربیت اسلامی و انواع تربیت از منظر فقه پرداخته است که برای هر کدام مستنداتی از منابع فقه بیان شده است. سوال اصلی تحقیق این است که نقش فقه در موضوعات تعلیم و تربیت چیست؟ در ادامه به نقش فقه پرداخته شده است که به دو شکل متصور است: نخست آن‌که، تربیت به عنوان موضوعی که عرصه‌ها و عناصر گوناگون از قبیل مبانی، اصول، روش‌ها، محتوا و مانند این‌ها دارد، در نظر گرفته شود و آن‌گاه هر یک از عناصر فوق، به فقه عرضه شود و دیدگاه فقه درباره آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد. شکل دیگر این که، تربیت و عناصر آن در یک جامعه اسلامی در نظر گرفته می‌شود و بررسی می‌شود که فقه کدام یک از این عناصر را می‌تواند تأمین نماید.

کلیدواژه: فقه، تربیت، تعلیم، اسلام، تربیت اسلامی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۲	۱-۱. مقدمه
۳	۲-۱. بیان مسأله و اهمیت آن
۳	۳-۱. سوالات پژوهش
۴	۴-۱. فرضیات پژوهش
۵	۵-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش
۶	۶-۱. اهداف پژوهش
۶	۷-۱. روش پژوهش
۷	۸-۱. تعریف فقه
۷	۱-۸-۱. سیر تحول معنای اصطلاحی فقه
۸	۲-۸-۱. تعریف دانش فقه
۹	۹-۱. تعریف تربیت
۹	۱-۹-۱. معنای لغوی تربیت
۱۰	۲-۹-۱. کاربردها و اصطلاحات تربیت
۱۱	۳-۹-۱. تعاریف اصطلاحی تربیت
۱۲	۱۰-۱. پیشینه رویکرد فقه به تربیت
۱۲	۱-۱۰-۱. پیشینه رویکرد فقه به تربیت در منابع فقهی

الف

- ۱۰-۱-۲. پیشینه رویکرد فقه به تربیت در منابع اخلاقی ۱۴
- ۱۰-۱-۲-۱. کتاب‌های پیشینه اخلاقی رویکرد فقه به تربیت ۱۴
- ۱۰-۱-۳. پیشینه رویکرد فقه به تربیت در منابع روایی ۱۶
- ۱۰-۱-۴. پیشینه رویکرد فقه به تربیت در منابع تفسیری ۱۸
- ۱۰-۱-۵. پیشینه رویکرد فقه به تربیت در کتاب‌های معاصر ۲۰
- ۱۰-۱-۶. پیشینه رویکرد فقه به تربیت در پایان‌نامه‌ها ۲۱
- فصل دوم: مبانی فقه و تربیت ۲۳
- ۲-۱. موضوع فقه ۲۴
- ۲-۲. رفتار ۲۴
- ۲-۲-۱. مفهوم رفتار ۲۴
- ۲-۲-۲. انواع رفتار انسانی ۲۵
- ۲-۳. تعریف مکلفان ۲۵
- ۲-۴. تقسیمات تربیت ۲۶
- ۲-۴-۱. تقسیم بر اساس منبع ۲۶
- ۲-۴-۲. تقسیم بر اساس ابعاد وجودی شخصیت متربی ۲۶
- ۲-۴-۳. تقسیم بر اساس شرایط متربی ۲۶
- ۲-۴-۴. تقسیم بر اساس چگونگی اقدام‌ها در تربیت ۲۶
- ۲-۴-۵. تقسیم بر اساس شمول افراد جامعه ۲۷
- ۲-۴-۶. تقسیم بر اساس اعتبار قانونی ۲۷

- ۲۷ ۲-۴-۷. تقسیم بر اساس تأثیرگذاری
- ۲۸ ۲-۵. حکم تربیت
- ۲۸ ۲-۶. تمهیدات تربیتی
- ۲۹ فصل سوم: انواع تربیت و نسبت متقابل فقه و تربیت
- ۳۰ ۳-۱. نسبت و رابطه فقه و تربیت
- ۳۰ ۳-۱-۱. نسبت در موضوع
- ۳۱ ۳-۱-۲. نسبت در هدف
- ۳۱ ۳-۱-۳. نسبت در روش و منابع
- ۳۲ ۳-۲. تأثیرات فقه بر تربیت
- ۳۲ ۳-۲-۱. تأثیر بر موضوع دانش تربیت
- ۳۲ ۳-۲-۲. تأثیر بر مسایل دانش تربیت
- ۳۳ ۳-۲-۱. گزاره‌های توصیفی تأثیر فقه بر تربیت
- ۳۸ ۳-۲-۲. گزاره‌های تجویزی تأثیر فقه بر تربیت
- ۴۰ ۳-۳. تأثیرات تربیت بر فقه
- ۴۰ ۳-۳-۱. کمک به فهم عمیق تر ادله شرعی
- ۴۲ ۳-۳-۲. تطبیق عناوین اولیه بر مصادیق تربیتی
- ۴۳ ۳-۳-۳. تطبیق و تشخیص عناوین ثانوی بر مصادیق تربیتی
- ۴۳ ۳-۳-۴. تشخیص دگرگونی در مصادیق و موضوعات تربیتی
- ۴۴ ۳-۳-۵. تأثیر دانش تربیت در امتثال احکام و شیوه‌های عملیاتی کردن احکام

- ۴-۳. انواع تربیت فرزندان بر اساس دیدگاه فقهی ۴۴
- ۳-۴-۱. تربیت اعتقادی ۴۵
- ۳-۴-۱-۱. صیانت سخت ۴۸
- ۳-۴-۱-۲. صیانت آمرانه ۴۹
- ۳-۴-۱-۳. صیانت نرم ۴۹
- ۳-۴-۲. تربیت عبادی ۵۲
- ۳-۴-۲-۱. وظایف والدین در تربیت عبادی ۵۳
- ۳-۴-۲-۲. وظایف والدین در آموزش نماز ۵۵
- ۳-۴-۲-۳. وظایف والدین در آموزش روزه ۵۶
- ۳-۴-۳. تربیت عاطفی ۵۷
- ۳-۴-۳-۱. وظایف والدین در مهرورزی و تربیت عاطفی ۵۸
- ۳-۴-۳-۲. حدود مهرورزی در فقه ۴۰
- ۳-۴-۳-۳. جهت‌دهی به تربیت عاطفی در اسلام ۶۱
- ۳-۴-۳-۴. روش‌های مهرورزی و تربیت عاطفی در فقه ۶۲
- ۳-۴-۴. تربیت جنسی ۶۵
- ۳-۴-۴-۱. وظایف والدین در تربیت جنسی ۶۶
- ۳-۴-۴-۲. وظیفه اول، پنهان‌کاری در روابط زناشویی ۶۷
- ۳-۴-۴-۳. وظیفه دوم، جداسازی بستر خواب فرزندان ۶۹
- ۳-۴-۵. تربیت جسمانی ۷۱
- ۳-۴-۵-۱. حضانت ۷۱

۷۵ ۲-۵-۴-۳. نفقه
۷۷ ۳-۵-۴-۳. رضاع
۷۹ فصل چهارم: روش‌های تربیتی و ویژگی‌های مربی و متربی از منظر فقه
۸۰ ۱-۴. روش‌های تربیتی از منظر فقه
۸۰ ۱-۱-۴. اصل تربیتی
۸۰ ۲-۱-۴. وجه تمایز بین اصل و روش تربیتی
۸۱ ۲-۴. عدالت‌ورزی بین فرزندان
۸۱ ۱-۲-۴. مفهوم‌شناسی عدالت
۸۱ ۲-۲-۴. ادله عامه عدالت‌ورزی میان فرزندان
۸۳ ۳-۲-۴. ادله خاصه عدالت‌ورزی میان فرزندان
۸۵ ۳-۴. بازی در تربیت
۸۵ ۱-۳-۴. مفهوم‌شناسی لغوی بازی
۸۵ ۲-۳-۴. مفهوم بازی در اصطلاح قرآنی (آیات لهو و لعب)
۸۶ ۳-۳-۴. مفهوم بازی در اصطلاح روایی
۸۶ ۴-۳-۴. آیات حرمت بازی در معنای لهو و لعب
۸۶ ۵-۳-۴. آیات کراهت بازی در معنای لهو و لعب
۸۷ ۶-۳-۴. آیه جواز بازی
۸۷ ۷-۳-۴. ادله روایی در مورد بازی به عنوان روش تربیتی
۸۸ ۸-۳-۴. حکم بازی به عنوان روش تربیتی

- ۹۱ ۹-۳-۴. بازی در سیره معصومان علیه السلام
- ۹۱ ۴-۴. وفای به وعده به کودکان
- ۹۱ ۱-۴-۴. مفهوم شناسی کلمه وعده
- ۹۱ ۲-۴-۴. ادله وجوب وفای به وعده
- ۹۲ ۳-۴-۴. آثار تربیتی وفای به عهد
- ۹۲ ۵-۴. الزام و اجبار در تربیت
- ۹۳ ۱-۵-۴. معنای لغوی الزام
- ۹۳ ۲-۵-۴. معنای اصطلاحی الزام
- ۹۳ ۳-۵-۴. معنای لغوی اجبار
- ۹۳ ۴-۵-۴. معنای اصطلاحی اجبار
- ۹۴ ۵-۵-۴. انواع الزام و اجبار
- ۹۴ ۶-۵-۴. بررسی ادله الزام و اجبار در تربیت
- ۹۴ ۱-۶-۵-۴. ادله جواز استفاده از الزام و اجبار در تربیت
- ۹۶ ۶-۴. نقش ویژگی‌های شخصیتی مربی و متربی از منظر فقه در تربیت
- ۹۶ ۱-۶-۴. اخلاص
- ۹۷ ۲-۶-۴. تواضع
- ۹۸ ۳-۶-۴. صبر و حلم
- ۹۹ فصل پنجم: نتیجه‌گیری و کاستی‌ها و پیشنهادات
- ۱۰۰ ۱-۵. نتیجه‌گیری

۵-۲. کاستی‌ها ۱۰۲

۵-۳. پیشنهادات ۱۰۲

منابع و مأخذ ۱۰۳

فصل اول

کلیات و مفاهیم

تربیت، باعث سعادت انسان‌ها می‌شود و به معنای سازندگی و پرورش شخصیت آنها است. اگر در اهمیت تربیت گفته شود که موفقیت فرد، خانواده و ملت، بیشتر به نوع تربیت آنها وابسته است، سخن بیهوده‌ای نیست. انسان‌ها مانند معادن طلا و نقره‌اند (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۷۷) و تربیت، کشف‌کننده استعدادها و توانمندی‌های درونی هریک از آنها است. هرچند تجویزات دانش تربیت، برای بهبود وضع تربیت انسان‌ها بسیار مغتنم است اما به تنهایی نمی‌تواند جوابگوی تربیت صحیح انسان باشد. در اینجا است که نیاز شدید پیوند تربیت را با منابع دین اسلام درمی‌یابیم تا تربیت به سمت و سوی ناثواب کشیده نشود. در این میان تجویزات اسلام که در قالب دانش فقه و فتاوی فقهی بروز می‌کند هم، از جایگاه ویژه‌ای در تربیت برخوردارند. واژه تربیت با ساختارهای متفاوت لفظی از جمله «رب»، یکی از شایع‌ترین واژه‌های قرآنی است که دلیل اهمیت اسلام و فقه را به تربیت نشان می‌دهد. از جمله در گفت و گوی موسی علیه السلام و فرعون، هنگام سفارش خداوند به فرزندان مبنی بر دعا کردن به پدر و مادر در داستان فرعون و موسی، فرعون بر موسی منت می‌نهد که چون روزگاری او را تربیت کرده بود، پس می‌باید که فرمانبردار وی باشد. از این منت‌گذاری و ادعای حق‌فرمانبری، می‌توان فهمید که تربیت در باور فرعون و سنت‌های جامعه فرعون نیز نوعی کار پسندیده، دارای ارج، منزلت و حق‌آور محسوب می‌شده است؛ «قَالَ أَلَمْ نُزَيِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِئْتَ فِينَا مِنْ عُمَرَاكَ سِنِينَ» (شعراء، آیه ۱۸) (گفت: آیا به هنگام کودکی نزد خود پرورش ندادیم و تو چند سال از عمرت را در میان ما نگذراندی). فقه در فرهنگ قرآنی (مجله طلوع، تابستان ۱۳۸۴، ش ۱۳) هم به همان معنای لغوی؛ یعنی بصیرت و ریزبینی و ادراک دقیق استعمال شده است و این نکته-ای است که حتی در آیات استشهادی برای نقض این معنا و این‌که به معنای مطلق آگاهی است، نیز صادق است، نظیر آیه‌ای که قول قوم شعیب (ع)، خطاب به آن حضرت را نقل می‌کند: «قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِمَّا نَقُولُ» (هود، آیه ۹۱) (می‌گفتند ما کثیری از آنچه را که تو می‌گویی، نمی‌فهمیم و دقیقاً از آن سر در نمی‌آوریم)؛ فقه به عنوان یک دانش اسلامی تأثیراتی شگرفی در تربیت دارد و در پرتو این تأثیرات رنگ و بوی اسلامی و دینی به تربیت می‌بخشد. در واقع، تربیت را که یک سری فعالیت‌های عینی بوده و به خودی خود ماهیت دینی و اسلامی ندارد، دینی و اسلامی می‌کند. تربیت و پرورش همه جانبه انسان از نیازهای اساسی وی است و انسان در پرتو تربیت صحیح به کمال مطلوب خویش نایل می‌آید. از سوی دیگر، شریعت و بعد عملی آن یعنی فقه جایگاه ویژه‌ای در زندگی انسان دارد و مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها، زندگی او را احاطه کرده است.

۱-۲. بیان مسأله و اهمیت آن

تعلیم و تربیت برگرفته از منابع اسلامی از ارکان رشد و بالندگی هر جامعه است و بدون آن، سمت و سوی تربیت به بی‌راهه خواهد رفت. از این رو ضرورت دارد میان دانش فقه و علوم تربیتی، پیوند نزدیکی برقرار شود تا بتوانیم تمامی دستورالعمل‌های تربیتی را یا از فقه استخراج و استنباط کنیم یا دستورات تربیتی موجود را به فقه عرضه کنیم تا بدانیم کدام مورد قبول واقع می‌شود و کدام رد و کدام اصلاح می‌شود. از طرف دیگر برای جلوگیری از ورود نظرات تربیتی ناسالم غربی تنها راه چاره را در این می‌بینیم که به جایگاه فقه در تربیت اهمیت بیشتری بدهیم و نظرات تربیتی صحیح را از دل این منابع انسان‌ساز استنباط نمایم و آنها را به دست اندرکاران تربیت ارایه دهیم. با توجه به نکات فوق می‌توان «جایگاه فقه در تربیت» را به کشف و استنباط احکام شرعی (اعم از تکلیفی و وضعی) مربوط به رفتارهای مربی و متربی در مقام تربیت دانست و آنچه در این پژوهش از جایگاه مهمی برخوردار است این است که تأثیرات فقه در زمینه تربیت کدامند و اینکه فقه در کدام یک از ابعاد وجودی شخصیت انسان تأثیر دارد تا آنها را بشناسیم که در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد اولین دیدگاه این است که هدف فقه در باب تربیت، رسیدن به حجت شرعی در اقدامات تربیتی است. دیدگاه دیگر فقه در زمینه این است، کشف دیدگاه‌های دینی درباره اجزا و عناصر تربیت است. در این دیدگاه، با بررسی احکام فقهی می‌توان به اجزا و عناصر تربیت دست یافت اما آیا تخصصی برای پیدا کردن رابطه فوق که در صدد هستیم رابطه فقه در تربیت را پیدا نمایم لازم است. به نظر می‌رسد که به این تخصص‌ها نیاز داریم: یکی تخصص در علم فقه و دیگری تخصص در علم تربیت یا علوم مربوط به آن. تخصص در علم فقه که کاملاً روشن هست زیرا می‌خواهیم جایگاه فقه در تربیت را بررسی کنیم، اما به نظر می‌رسد تخصص در علم تربیت هم برای فقیه در زمینه تربیت ضروری باشد، تا بداند در کدام قسمت‌های فقه اسلامی به دنبال یافتن سوالات خود پیرامون تربیت اسلامی باشد. فقیه باید بر همه جوانب مسأله آگاه باشد و موضوع حکم را به روشنی بشناسد. شناختن انواع مسایلی که در حوزه تعلیم و تربیت وجود دارد.

۱-۳. سوالات پژوهش

۱-۳-۱. سوال اصلی

۱- نقش فقه در تعلیم و تربیت اسلامی چیست؟

۱-۳-۲. سوال فرعی

۱- فقه و تربیت چه نوع رابطه‌ای باهم دارند؟

۲- نقش فقه در ابعاد تربیت (جسمی - عاطفی - جنسی - عقلی - اخلاقی - اجتماعی) چیست؟

۳- نقش ویژگی‌های شخصیتی مربی و متربی در تربیت چیست؟

۴- انواع روش‌های تربیتی از منظر فقه کدامند؟

۴-۱. فرضیات پژوهش

۱-۴-۱. فرضیه اصلی

۱. حضور و نقش فقه در تربیت می‌تواند در سه سطح باشد: ۱. کشف و پیشنهاد روش‌های نوین تربیتی؛ ۲. اصلاح روش‌های موجود؛ ۳. تایید یا تکذیب روش‌های رایج. رعایت تمام احکام فقه، به عنوان یک اصل کلان تربیتی، همه اصول و روش‌های تربیتی را در بر می‌گیرد. از نظر فقه، تمام بایدها در دانش تربیت، باید به تایید شرع برسد. این ضابطه‌سازی هم در تاسیس اصول و روش‌ها و هم در عملیاتی‌کردن آنها مصداق دارد. تاثیرگذاری فقه می‌تواند سبب کشف و پیشنهاد اهدافی جدید شود یا باعث اصلاح و تهذیب اهداف موجود شود. که فقه می‌تواند بر هر سه طبقه تاثیرگذار باشد. به این معنا که در عرصه روش‌های تربیت، فقه می‌تواند نکته‌هایی را ارائه کند که انواع روش تربیتی را با فقه پیوند دهد.

۱-۴-۲. فرضیات فرعی

۱. رابطه فقه با تربیت این است که موضوع دانش تربیت، فرایند تعلیم و تربیت است. این دانش در صد مطالعه علمی مسائل مختلف مربوط به فرایند تربیت، و ابعاد گوناگون آن است. موضوع تربیت، انسان است و تغییرهای تدریجی مطلوب توسط عاملی انسانی بر مرتبی انجام می‌شود. مرکز تاثیرگذاری مربی بر مرتبی، بینش‌ها، گرایش‌ها و به ویژه رفتارهای مرتبی است که بیشترین نمود و جلوه‌گری را دارد. موضوع فقه، رفتارهای اختیاری مکلفان است. بر این اساس، هر دو دانش از انسان و رفتارهای وی بحث می‌کند و همین اشتراک، زمینه تعامل این دو را امکان‌پذیر می‌کند. به عبارت دیگر، انسان، «موضوع فقه» و دانش تربیت به شمار می‌رود. خلاصه آن‌که، موضوع دانش تربیت، فرایند تربیت است که بخشی از آن، رفتار اختیاری مربی و مرتبی است.

۲. شناخت و توصیف ابعاد وجودی مرتبی و آگاهی از ویژگی‌های عرصه‌های تربیت، یکی از موضوع‌های مهم در دانش تربیت به ویژه تعلیم و تربیت اسلامی است. به دلیل آنکه ابعاد تربیت نیز مانند مراحل تربیت، شامل گزاره‌هایی است با مرور اجمالی بر ابواب گوناگون فقه، می‌توان دریافت که ساحت‌های متعدد انسان مورد توجه بوده و حتی به برخی از آنها توجه ویژه‌ای شده است. به عبارت دیگر فقه در تعامل با دانش تربیت یا به رد و تایید ساحت‌های موجود در دانش تربیت می‌پردازد یا همکاری را به شکل اصلاح و تهذیب ادامه می‌دهد یا روشی نوین را پیشنهاد می‌دهد (مانند بُعد تربیت جسمی) پرورش جسم و حفظ بهداشت و سلامت آن در فقه بسیار اهمیت دارد. قاعده نفی‌ضرر، یکی از قواعد مسلم فقهی است که همه ضررهای قابل توجه و از جمله ضررهای بدنی را نفی می‌کند و احکام فقه از چنین ضررهای بدنی پرهیز می‌کنند. فقه با معرفی خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های مجاز و غیر مجاز، مستحب‌ها و مکروه‌های خوردن، طهارت و نجاست غذاها و مباحثی از این دست، در مسیر تربیت بدنی و جسمانی گام بر می‌دارد.

۱-۵. ضرورت و اهمیت پژوهش

اهمیت و حساسیت تربیت برای جامعه اسلامی باعث شده تا ضرورت پیوند فقه و تربیت دو چندان شود. اما متأسفانه با توجه به اهمیت و ضرورت این پیوند و اهمیت حضور تجویزات اسلام در فرایند تربیت تا به حال کار چندان شایسته‌ای صورت نگرفته است. و بیشتر مریبان از وظایف شرعی و اسلامی خود در رابطه با تربیت اسلامی، بی‌خبرند. همچنین دانش فقه، وظیفه تعیین احکام و وظایف مکلفان را بر عهده گرفته است. و احکام و وظایف مکلفان نیز همان خوسته‌های خداوند سبحان است که در قالب حرام و حلال و مکروه و مباح بیان می‌شود. فقه مجموعه دستورات اسلام را برای تمام زوایای زندگی انسان بیان می‌کند اما آنچه در دانش فقه، تا اندازه ای مغفول مانده است عبارت است از احکام شرعی در حوزه رفتارهای درونی و باطنی. لذا پژوهش حاضر (جایگاه فقه در تربیت اسلامی) برای پر کردن این خلأ صورت گرفته است تا در حد توان انواع تربیت و احکام آن را بر اساس فقه ناب اسلامی بیان نماییم. در ادامه این پیوند سعی شده است تا مختصری از روشهای تربیت را از دل احکام و منابع آن استخراج کنیم برای اینکه در دسترس مریبان تربیت اسلامی قرار گیرد. والدین و مریبان همواره تلاش می‌کنند و انگیزه لازم را دارند تا در ساحت‌های بدنی و روحی و رفتاری فرزندان تغییرات ایجاد کنند اما تنها داشتن انگیزه برای تربیت صحیح کافی نیست و در اینجا است که ضرورت پژوهش فوق را در می‌یابیم تا مریبان بتوانند تربیت را از نقطه مناسبی شروع کنند و روشهای تربیتی مناسبی بکار برند. تمام زندگی بشر هم در بعد فردی و اجتماعی و هم به طور مستقیم و غیر مستقیم با امر تعلیم و تربیت ارتباط دارد. زیرا انسان موجودی صاحب اختیار و دارای اراده است و اختیار وی تحت تأثیر حالات درونی و گرایش‌های روحی اوست، اگر این گرایشها و حالات در اثر تعلیم و تربیت صحیح به مسیر درست و اصولی خود هدایت شود می‌توان امید داشت که انسان در صحنه‌های گوناگون مطابق حق و به روش صحیح عمل خواهد کرد. ضرورت دارد بدانیم فقه که سرچشمه دانش‌ها است، و سرچشمه احکام است که انسان‌ساز هم هستند تا چه اندازه و چه حد در تربیت اسلامی و انسانی اثر داشته است و می‌تواند تربیت را به مسیر صحیح ببرد و لازم است بعد از این بیشتر به جایگاه فقه در تربیت اهمیت بدهیم. جامعه امروزی وارد مرحله سختی از تربیت شده زیرا وارد شدن بی‌اخلاقی در ابعاد وجودی انسان که آینده تربیت اسلامی را به خطر می‌اندازد نیاز ما را به داشتن احکام تدوین شده تربیتی برگرفته از قرآن و سنت پیامرصلی الله و اهل بیت مبارک ایشان نشان می‌دهد تا تربیتی برگرفته از احکام ناب اسلامی داشته باشیم که بر تمامی بی‌اخلاقی‌ها غالب آید و برای رشته معارف اسلامی هم نیاز اساسی وجود دارد که به دروس تربیتی برگرفته از فقه آشنا باشیم تا بتوانیم براساس آن انسانهایی تربیت نماییم که رفتار و گفتارشان اسلامی و انسانی باشد.

۱-۶. اهداف پژوهش

۱-۶-۱. هدف کلی

۱. بررسی جایگاه فقه در تعیین و استخراج احکام تربیت در همه ابعاد تربیتی و اینکه بدانیم مربی و مربی چه ویژگی‌هایی (صفات) داشته باشند.

۱-۶-۲. اهداف فرعی

۱. بررسی تاثیر فقه در ابعاد تربیت انسان از بعد جسمی تا بعد جنسی و عاطفی و....

۲. تبیین اهمیت فقه تربیتی برای جوامع امروزی جهت شناخت تربیت اسلامی بر مبنای فقه.

۳. بررسی و استخراج انواع روشهای تربیتی و اسلامی از فقه.

۴. تبیین تاثیرات تربیت بر روی فقه و گشایش ابواب جدید فقه (فقه تربیتی).

۱-۶-۳. اهداف کاربردی

۱. جلوگیری از ورود نظرات تربیتی ناسالم غیر اسلامی مکاتب دیگر به فرایند تربیت فرزندان دنیای اسلام.

۲. آگاهی مربیان تربیتی از آخرین روش‌های تربیت اسلامی همراه با حکم تربیت.

۱-۷. روش پژوهش

از بین روش‌های تحقیق که در حالت کلی به جهت اجرا به صورت کیفی، کمی و ترکیبی است با توجه به ماهیت این تحقیق می‌توان از بین انواع روشهای تحقیق (توصیفی، همبستگی، تاریخی، و آزمایشی) به دلایل ذیل، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده کرد. چون پژوهش حاضر یک تحقیق توصیفی تحلیلی است و از طریق بررسی کتب و اسناد موجود صورت گرفته است. و چون به توصیف واقعیت‌ها می‌پردازد بر اساس تحقیقات قبلی در این زمینه، و همچنین جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و سندکاوی صورت گرفته است. بنابراین روش ما در تحقیق توصیفی تحلیلی می‌باشد در این روش محقق از مهم‌ترین ابزار خود یعنی فیش‌برداری استفاده می‌کند. محقق با مراجعه به همه منابع شناسایی شده از قبل، مطالب مهم و مورد نیاز خود در فیش‌های تحقیق البته با ذکر دقیق مشخصات منبع مورد استفاده، می‌نویسد. اطلاعات جمع‌آوری شده که در فیش‌ها ثبت شده‌اند با یک نظم منطقی دسته‌بندی شده و در فصل دوم تحقیق با یک دسته‌بندی مناسب و منطقی ثبت می‌شوند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات محقق در روش کتابخانه‌ای، همه اسناد چاپی همانند کتاب، دایره‌المعارف‌ها، فرهنگ‌نامه‌ها، مجلات، روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها، ماهنامه‌ها، لغت‌نامه‌ها، سالنامه‌ها، مصاحبه‌های چاپ شده و پژوهش‌نامه‌ها.

واژه- فقه در لغت معناهای گوناگونی دارد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

الف) «مطلق علم و آگاهی». (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۷)

ب) مطلق فهم و ادراک (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۲۴۳): البته «فهم مقتضای کلام که در اثر تأمل در آن به دست می‌آید». (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۱۲۳) بنابراین، باید توجه داشت که «فهم»، با «مطلق ادراک» برابر نیست؛ بلکه به «ادراک خفی و دقیق» اشاره دارد (عسکری و جزایری، ۱۳۷۰، ص ۴۱۴) و با نوعی استنتاج و تعقل همراه است. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۱۴۹)

ج) «فهم همراه با دقت و تأمل» (مصطفوی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۲۳): بعضی از لغوی‌های معاصر تصریح می‌کنند که ریشه اصلی در این ماده، فهم با دقت و تأمل است. (مصطفوی، ۱۳۷۰، ج ۹، ص ۱۲۴) به نظر می‌رسد که همین معنا، هسته معنایی را تشکیل می‌دهد؛ هر چند در برخی از موارد؛ به معنای «فطانت و تیز فہمی» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، صص ۳۰۵-۳۰۶) نیز به کار می‌رود و می‌تواند به معنای «تیز چنگی در دریافت معنای اصلی و دقیق» باشد. که نظر راجع فهم همراه با دقت و تأمل است.

۱-۸-۱. سیر تحول معنای اصطلاحی فقه

واژه فقه در معنای اصطلاحی، از معنای لغوی‌اش دور نیست و مفهوم «درک عمیق و ژرف اندیشی» با آن همراه است. این واژه و مشتقات آن، مانند فقیه، تفقه، فقاہت و مانند اینها، از همان ابتدا در ادبیات دینی و آیات و روایات، درباره فهم و ادراک دین به کار می‌رفته است. کاربرد واژه فقه و مشتقات آن در این قلمرو معنایی، یکسان نیست و دگرگونی‌هایی داشته است. به طور کلی می‌توان دو معنای اصطلاحی از فقه بر شمرد:

۱. فقه به معنای شناخت همه معارف دین، اعم از عقاید، احکام و اخلاق.

۲. فقط شناخت بخشی از دین (احکام).

این تحول معنایی، از دگرگونی‌های اجتماعی و علمی تاریخ اندیشه مسلمانان سرچشمه گرفته است.

با شکل‌گیری معنای اصطلاحی دوم برای فقه (فقط شناخت بخشی از دین (احکام)، قلمرو معنایی این واژه محدود شد و دانش جدید و مستقلی به نام فقه به وجود آمد؛ چون فقه با ماهیت تجویزی از دانش عقاید (دانش توصیفی) جدا می‌شود همچنین به دلیل آنکه تجویزات فقه، تجویزاتی شرعی (به معنای استحقاق صواب و عقاب) است، قلمرو آن با آموزه‌های اخلاقی دین روشن می‌شود (رشاد، ۱۳۸۲، ص ۳۳). امام شافعی با توجه به تفکیک آموزه‌های اسلام، برای فقه تعریفی ارائه می‌دهد: «فقه، علم به احکام شرعیه عملیه‌ای است که از راه ادله تفصیلیه به دست آید» (زهیلی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۰). چنین اتفاق نظری، در جهان تشیع نیز وجود دارد. عده‌ای فقط تعریف بسیطی ارائه کرده‌اند و برخی برای جامع افراد و مانع اغیار بودن تعریف، قیده‌های اعتراضی آن را بیان کرده‌اند. فخر المحققین در کتاب ایضاح - که شرعی بر قواعد الاحکام علامه حلی است - سعی کرده به موضوع این دانش نیز اشاره کند (العلم بالاحکام الشرعیه الفرعیه عن ادلتها التفصیلیه). اولین قید «العلم» است که در واقع، جنس تعریف به شمار می‌رود. واژه علم، معانی متعددی دارد؛ در اینجا معنای مصدر یا اسم مصدر منظور است. متعلق علم و آگاهی در دانش فقه، احکام شرعی است. با این قید، موضوع‌های دیگر، مانند (علم به) ذوات اشیاء و غیره خارج می‌شود و نیز آگاهی از احکام غیر شرعی (مانند احکام عقلی و عرفی و غیره) نیز از قلمرو این تعریف بیرون می‌آید. بنابراین تا اینجا مرزهای دانش فقه به دانشی محدود می‌شود که از احکام شرعی بحث می‌کند و سبب آگاهی می‌شود. قید احترازی دیگر، قید «الفرعیه» (اصفهان‌ی، بی‌تا، ص ۱۹) است. این قید، خواه صفت برای «شرعیه» باشد و خواه به طور مستقیم صفت برای «لاحکام» باشد، معنای جمله چنین می‌شود: فقه عبارت از علم به احکام شرعیه‌ای که به رفتار و عمل آدمی مربوط می‌شود. تا اینجا مرز دانش فقه، مشخص شد خلاصه آن که اگر اصطلاح ابوحنیفه را هم به اصطلاحات دوگانه فقه که در جملات پیشین مطرح شد، اضافه نماییم با سه اصطلاح مواجه هستیم: ۱. شناخت عمیق دین؛ ۲. شناخت عمیق توصیفات دین؛ ۳. شناخت تجویزات دین یا فقه اصغر یا همان احکام عملی. همان‌گونه که فهمیده شد، اصطلاح سوم منظور نوشتار حاضر را در بر می‌گیرد که عبارت است از دانشی که از احکام شرعی افعال بر اساس ادله تفصیلی بحث می‌کند.

۹-۱. تعریف تربیت

پس از مفهوم «فقه» از کلیدی‌ترین مفاهیم در پژوهش حاضر، مفهوم تربیت است. در نوشتار پیش رو در صدد هستیم تا پس از باز شناسی مفهوم تربیت و بررسی مرزهای مفهومی آن، قلمرو معانی تربیت را رسم نماییم. در باره لزوم تعریف تربیت دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده است برخی از متخصصان تربیت قدیم و جدید، در آثار خود تعلیم و تربیت را به طور صریح تعریف نکرده‌اند. برای مثال، افلاطون ارسطو و غزالی با آنکه نظرات مهمی در تعلیم و تربیت دارند، اما به صراحت تعریفی از تربیت بیان نکرده‌اند. برخی دیگر، به ویژه طرفداران فلسفه تحلیل زبان در تعلیم و تربیت، اصولاً آن را فرایند مشخصی تلقی نمی‌کنند تا به تعریف آن بپردازند. آنها عقیده دارند که شبکه مفهومی تربیت را باید از مطالعه و بررسی مصداق‌های استخراج کرد، آن‌گونه که در گفتار متداول به کار می‌رود. (اعرافی، ۱۳۸۱، صص ۳۳۳-۳۳۴) در ادامه، تلاش می‌شود تا ابتدا معانی لغوی این مفهوم را بررسی کنیم و سپس با تمرکز بر تعاریف اصطلاحی و انتخاب یک راهکار مناسب برای تعریف و تبیین تربیت به عناصر این مفهوم و تمایز آن با مفاهیم دیگر دست یابیم.

۱-۹-۱. معنای لغوی تربیت

تربیت در زبان فارسی به معنای «پروردن، آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن» به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۳۸ ج ۴، ص ۵۷۷۶). واژه ترکیبی «تعلیم و تربیت» نیز به معنای «آموزش و پرورش» آمده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۴۸۰) در زبان عربی نیز واژه تربیت مصدر باب تفعیل است. این واژه می‌تواند از «رب» و «ربو» سرچشمه گرفته باشد. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۴۸۳) مصطفوی بر این باور است که معنای اصلی ربب سوق دادن شیئی به سوی کمال و برطرف کردن کمبودها به واسطه تخلیه و جایگزینی است؛ خواه این فرایند در جهت ذات شیئی باشد، خواه در اعتقادات باشد، خواه در اخلاق و اعمال و رفتارهایش باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۱۹) ریشه دیگر واژه تربیت می‌تواند ماده «ربو» باشد که در معناهای، زیادت، رشد و نمو به کار می‌رود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۴، ص ۳۰۴) بنابراین، با کمی دقت می‌توان گفت که معنای ریشه دوم «ربو» بیشتر به پرورش جسمی و مادی مربوط است؛ در حالی که معنای ریشه اول (ربب) بیشتر به پرورش دیگر ابعاد ناظر است. برای داوری میان ریشه یابی واژه تربیت و تعیین یکی از دو ماده باید مرزهای معنایی واژه تربیت شفاف‌تر شود. و به نظر می‌رسد که ماده ربب ترجیح کمتری دارد و در عربی از ریشه ربب نیست. (مهدی زاده، ۱۳۷۷، ص ۱۴۶) به دو دلیل ۱. مصدر مضاعف باب تفعیل، به طور معمول بر وزن تفعیل است، نه تفعله ۲. اصل عدم اعلال است.